

”

همین طوری مشکلات روی مشکلات تلنبار می شد و هیچ راهکاری و هیچ برنامه ریزی وجود نداشت و بی توجهی به این مسائل بر نخبگان چیره شده بود. ما به این نتیجه رسیدیم که کلاً شاید همین نخبگان و سازمان های منطقه اهم مشکل ما هستند



سال ۹۹ بود که در رویداد گنج خوزستان با احمد نوروزی آشنا شدم، ایشان در منطقه خودشان بررسی و پایش انجام داده بودند. ۷۰۰ سنجه هم از ایشان گرفتیم و اینها را پس از جلسات مختلف گزینش و بومی کردیم و راحت تر توانستیم محلات را پلاک به پلاک شناسایی کنیم. این چالش شناسایی این طور برای ما حل شد. هر خانواده با دیدگاه خودش شناختی را که از محله داشت در قالب این سنجه ها توضیح می داد. ۷۵۰۰ خانوار را این طوری جمع آوری اطلاعات کردیم. اطلاعاتی که قابل ارجاع و تصمیم سازی است. به طور مثال عرض کنم که مثلاً تعداد معتادین منطقه را سازمان هدف

منطقه را در بیاوریم. شهرداری، فرمانداری، بخشداری، همه را می رفتیم. یک نمونه فرم داشتیم که سؤالات مشخص و دقیق و پژوهشی داشت برای کسب اطلاعات که این خانم ها و آقایان حین مراجعه به آن سازمان پر می کردند. جالب بود که این فرم ها در هر سازمان داده متفاوتی به ما می داد! مثلاً میزان جمعیت منطقه چقدر است؟ این به نظر می رسد که با توجه به سرشماری ها باید عدد مشخصی داشته باشد ولی این طور نبود، هر کدام از این ارگان ها یک عدد به ما اعلام می کردند. از این دست تفاوت ها زیاد بود و ما در تحلیل منطقه به مشکل برمی خوردیم. ما ۶ ماه با چالش این تفاوت اطلاعات درگیر بودیم. نمی دانم اشتباه کردیم یا کار درستی بود، ولی بعد گفتیم عیب ندارد ما می رویم به سمت معتمدین و فعالان اجتماعی منطقه و این طوری اطلاعات دقیق تری به دست می آوریم. اکثر سعی می کردیم افراد مطلع با گرایش های انقلابی را انتخاب کنیم و باز هم جالب است که بگویم به نتیجه دلخواه نرسیدیم. یک سال وقت از دست رفت و ما خودمان کف میدان وارد عمل شدیم و اطلاعات دقیقی را به دست آوردیم، این وسواس در جمع آوری اطلاعات دقیق، الان ما را مرجع آماری اطلاعاتی منطقه کرده است.